مجله یافته های علوم تربیتی و آموزشی

بررسی تأثیر نگرش به آینده تحصیلی و شغلی بر قابلیت کارآفرینی با نقش واسطه‌ای انعطاف‌پذیری شناختی در بین هنرجویان پسر هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای ناحیه چهار آموزش و پرورش شهر شیراز

یحیی علیرضا پور

کارشناسی ارشد برنامه ریزی درسی

DOI-02-2026.0504
MNR-525-2-F2437D

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر نگرش به آینده تحصیلی و شغلی بر قابلیت کارآفرینی با نقش واسطه‌ای انعطاف‌پذیری شناختی در بین هنرجویان پسر هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای ناحیه چهار آموزش و پرورش شهر شیراز انجام شد. جامعه آماری این پژوهش را هنرجویان ۵ هنرستان فنی و حرفه‌ای ناحیه چهار آموزش و پرورش شهر شیراز در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۴۰۱ تشکیل می‌دهند که از میان آنان، با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی، تعداد ۲۵۰ نفر بر اساس جدول دمورگان انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌ها از ترکیب سه پرسشنامه استفاده شد: پرسشنامه انعطاف‌پذیری شناختی دنیس و وندروال (۲۰۱۰)، پرسشنامه سنجش قابلیت‌های کارآفرینی زندی (۱۳۹۲) شامل ۶ مؤلفه توفیق‌طلبی، استقلال‌طلبی، گرایش به خلاقیت، ریسک‌پذیری، کنترل درونی و تحمل ابهام، و پرسشنامه نگرش به تحصیل و آینده شغلی تارویردی‌زاده و همکاران (۱۳۹۶). روش‌های تجزیه و تحلیل داده‌ها شامل شاخص‌های آمار استنباطی، ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل مسیر بود که با استفاده از مدل معادلات ساختاری انجام شد. یافته‌های پژوهش در خصوص اثر مستقیم متغیرها نشان داد که سطح معناداری علاقه به رشته تحصیلی بر قابلیت کارآفرینی و نیز بر تمامی مؤلفه‌های انعطاف‌پذیری شناختی، به‌جز توانایی درک چندین توجیه، و همچنین اثر آینده شغلی بر قابلیت کارآفرینی و اثر برنامه‌ریزی شغلی بر تمامی مؤلفه‌های انعطاف‌پذیری شناختی و قابلیت کارآفرینی، مورد تأیید قرار گرفته است. در خصوص اثرات غیرمستقیم نیز، معناداری علاقه به رشته تحصیلی و برنامه‌ریزی شغلی بر قابلیت کارآفرینی مورد تأیید قرار گرفت؛ اما اثر آینده شغلی بر قابلیت کارآفرینی تأیید نشد. از جمله مهم‌ترین پیشنهادهایی که می‌توان برای بهبود شرایط موجود در جامعه آماری ارائه کرد عبارت‌اند از: تقویت بنیه علمی و تجربی هنرجویان از طریق اعزام به دوره‌های پیشرفته مشاوره تحصیلی، آشنا کردن هنرجویان با موضوعاتی همچون اضطراب، استرس، مدیریت زمان و مؤلفه‌های انعطاف‌پذیری شناختی مانند درک موقعیت‌ها و ابراز توانایی هنگام مواجهه با موقعیت‌های دشوار. همچنین تقویت مؤلفه‌هایی همچون استقلال‌طلبی و کنترل درونی در جامعه آماری پیشنهاد می‌شود.

کلیدواژه‌ها: آینده تحصیلی، آینده شغلی، قابلیت کارآفرینی، انعطاف‌پذیری شناختی.

مقدمه

در جامعه امروز که زندگی بدون تعامل با دیگران امکان‌پذیر نیست، اندیشیدن درباره چگونگی زندگی و انتخاب‌های مهمی مانند انتخاب رشته تحصیلی و حتی انتخاب شغل، تنها بر عهده مشاور مدرسه نیست؛ بلکه همه افراد جامعه باید دست در دست یکدیگر دهند و با همکاری و هدایت شایسته، زمینه انتخاب‌های درست را برای فرزندان ایران فراهم کنند (قاسمی، ۱۳۹۵).

فرآیند راهنمایی و هدایت دانش‌آموزان در نظام آموزش و پرورش کشور ما، در طول حیات خود فراز و نشیب‌های فراوانی را پشت سر گذاشته است. در همین راستا، گذار از دانشگاه‌های نسل اول (آموزش‌محور) به دانشگاه‌های نسل سوم (کارآفرین)، اهمیت بررسی قابلیت‌های کارآفرینی را در مسیر پرورش نیروی خلاق و نوآور، تقویت ارتباط با صنعت، تجاری‌سازی یافته‌های علمی و تضمین امنیت شغلی دانش‌آموختگان، بیش از پیش مورد توجه اندیشمندان علوم اجتماعی قرار داده است.

در این زمینه، توجه به عواملی همچون علاقه‌مندی، نقش والدین، تبیین فعالیت‌ها، آینده‌نگری و هدف‌مندی، از جمله موضوعات بسیار مهمی است که باید مورد توجه قرار گیرد. از همین رو، در این پژوهش نیز بررسی مؤلفه‌هایی نظیر توجه به آینده شغلی، برنامه‌ریزی شغلی و علاقه‌مندی به رشته تحصیلی در دستور کار قرار گرفته است.

دانش‌آموزان به‌عنوان افرادی که در مسیر تحصیل گام نهاده‌اند، در حال عبور از سطوح مقدماتی به سطوح عالی دانش و فناوری هستند و در آینده به‌عنوان افراد متخصص در حوزه‌های مختلف صنعتی، خدماتی و دیگر عرصه‌ها وارد نظام شغلی و کسب‌وکار خواهند شد. از این‌رو، لازم است این افراد به‌صورت اصولی هدایت و مدیریت شوند تا با برنامه‌ریزی منسجم و توجه بیشتر به زمینه‌های مورد علاقه خود، در مسیر درست قرار گیرند.

انعطاف‌پذیری، ویژگی شخصیتی مهمی است که نشان می‌دهد یک فرد تا چه اندازه می‌تواند با تغییر شرایط کنار بیاید و با روش‌های خلاقانه درباره مشکلات و وظایف خود بیندیشد (اشرافی، ۱۴۰۰). در همین زمینه، آردیلا (۲۰۱۹) معتقد است که بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه، توجه جدی به گسترش قابلیت‌های کارآفرینی دارند تا از طریق ایجاد فرصت‌های شغلی مناسب، با چالش‌هایی نظیر بحران اشتغال، کمبود نیروی انسانی خلاق، کاهش بهره‌وری و افت کیفیت محصولات و خدمات مقابله کنند.

بنابراین لازم است مؤلفه‌های متغیر انعطاف‌پذیری شناختی نیز مورد بررسی قرار گیرد. از مهم‌ترین این مؤلفه‌ها می‌توان به توانایی درک چندین توجیه، میل به درک و نیز توانایی ایجاد چندین راه‌حل اشاره کرد که در این تحقیق به بررسی آن‌ها پرداخته شده است. با توجه به مطالب فوق، مسئله اصلی پژوهش حاضر آن است که آینده تحصیلی و شغلی، به‌عنوان بخشی مهم از زندگی نوجوانان و جوانان جامعه، به‌ویژه

هنرجویان هنرستان‌های ناحیه چهار آموزش و پرورش شهر شیراز، با تأکید بر مهارت‌ها و قابلیت‌های کارآفرینی مورد مطالعه قرار گیرد تا در نهایت بتوان با طراحی یک مدل مفهومی، مسیرها و راهکارهای مناسب را برای آنان ارائه داد.

اگر کارآفرینی را فرآیند ایجاد خدمت یا محصولی جدید بدانیم، باید به صرف زمان و تلاش لازم همراه با پذیرش خطرات احتمالی برای دستیابی به اهداف مورد نظر نیز بیندیشیم (افشارنیا، ۱۳۹۸). آینده تحصیلی و آینده شغلی از اساسی‌ترین موضوعات و فعالیت‌های زندگی هر فرد به شمار می‌روند و تقریباً هر انسان ناگزیر است این دو مسیر را در طول زندگی خود طی کند؛ زیرا هستی فرد و استمرار جامعه به آن وابسته است.

هیسفیلد (۲۰۱۹) نیز بیان می‌کند که قابلیت‌ها و توانایی‌های افراد در حوزه‌های مختلف کارآفرینی، عامل مهمی در ایجاد تغییر و تحولات شغلی است که گاه به پیشرفت‌های چشمگیری منجر می‌شود.

چارچوب نظری مدل تحقیق

اهداف تحقیق

هدف اصلی

بررسی تأثیر نگرش به آینده تحصیلی و شغلی بر قابلیت کارآفرینی با نقش واسطه‌ای انعطاف‌پذیری شناختی در بین هنرجویان هنرستان‌های ناحیه چهار آموزش و پرورش شهر شیراز.

اهداف فرعی

اهداف فرعی این پژوهش عبارت‌اند از:

بررسی تأثیر علاقه به رشته تحصیلی بر انعطاف‌پذیری شناختی (توانایی ایجاد چندین راه‌حل جایگزین، میل به درک و توانایی درک چندین توجیه).

بررسی تأثیر آینده شغلی بر ابعاد انعطاف‌پذیری شناختی (توانایی ایجاد چندین راه‌حل جایگزین، میل به درک و توانایی درک چندین توجیه).

بررسی تأثیر برنامه‌ریزی شغلی بر ابعاد انعطاف‌پذیری شناختی (توانایی ایجاد چندین راه‌حل جایگزین، میل به درک و توانایی درک چندین توجیه).

بررسی تأثیر علاقه به رشته تحصیلی بر قابلیت کارآفرینی با نقش واسطه‌ای انعطاف‌پذیری شناختی.

بررسی تأثیر آینده شغلی بر قابلیت کارآفرینی با نقش واسطه‌ای انعطاف‌پذیری شناختی.

بررسی تأثیر برنامه‌ریزی شغلی بر قابلیت کارآفرینی با نقش واسطه‌ای انعطاف‌پذیری شناختی.

بررسی تأثیر ابعاد انعطاف‌پذیری شناختی (توانایی ایجاد چندین راه‌حل جایگزین، میل به درک و توانایی درک چندین توجیه) بر قابلیت کارآفرینی.

فرضیات مستقیم

علاقه به رشته تحصیلی بر ابعاد انعطاف‌پذیری شناختی (توانایی ایجاد چندین راه‌حل جایگزین، میل به درک و توانایی درک چندین توجیه) و قابلیت کارآفرینی، تأثیر مستقیم و معنادار دارد.

آینده شغلی بر ابعاد انعطاف‌پذیری شناختی (توانایی ایجاد چندین راه‌حل جایگزین، میل به درک و توانایی درک چندین توجیه) و قابلیت کارآفرینی، تأثیر مستقیم و معنادار دارد.

برنامه‌ریزی شغلی بر ابعاد انعطاف‌پذیری شناختی (توانایی ایجاد چندین راه‌حل جایگزین، میل به درک و توانایی درک چندین توجیه) و قابلیت کارآفرینی، تأثیر مستقیم و معنادار دارد.

توانایی ایجاد چندین راه‌حل جایگزین بر قابلیت کارآفرینی، تأثیر مستقیم و معنادار دارد.

میل به درک بر قابلیت کارآفرینی، تأثیر مستقیم و معنادار دارد.

توانایی درک چندین توجیه بر قابلیت کارآفرینی، تأثیر مستقیم و معنادار دارد.

فرضیات غیرمستقیم

علاقه به رشته تحصیلی بر قابلیت کارآفرینی با نقش واسطه‌ای انعطاف‌پذیری شناختی، تأثیر غیرمستقیم و معنادار دارد.

آینده شغلی بر قابلیت کارآفرینی با نقش واسطه‌ای انعطاف‌پذیری شناختی، تأثیر غیرمستقیم و معنادار دارد.

برنامه‌ریزی شغلی بر قابلیت کارآفرینی با نقش واسطه‌ای انعطاف‌پذیری شناختی، تأثیر غیرمستقیم و معنادار دارد.

مبانی نظری تحقیق

الف) آینده تحصیلی و شغلی

در حال حاضر یکی از مسائل و چالش‌های مهم دانش‌آموزان و دانشجویان، انتخاب رشته تحصیلی است. از این‌رو، علاوه بر نیاز به هدایت تحصیلی مناسب برای دستیابی به آینده شغلی مطلوب، باید در پی شناسایی عوامل و ویژگی‌هایی باشند که بیشترین تأثیر را بر کارایی و اثربخشی تحصیلی آنان دارند (عبدالکریمی، ۱۳۹۸).

جوادپور (۱۳۹۹) معتقد است که سه ضلع اصلی آینده شغلی عبارت‌اند از:

علاقه

مهارت

ارزش

ب) قابلیت‌های کارآفرینی

کارآفرینی نخستین‌بار مورد توجه اقتصاددانان قرار گرفت و تمامی مکاتب اقتصادی از قرن شانزدهم میلادی تاکنون، به‌نوعی این مفهوم را در نظریه‌های اقتصادی خود مطرح کرده‌اند. واژه کارآفرینی نخستین‌بار از واژه فرانسوی به معنای «متعهد شدن» گرفته شد و به فرآیند خلق ارزش جدید، اعم از مادی یا معنوی، از طریق تلاشی متعهدانه همراه با پذیرش ریسک‌های ناشی از آن اطلاق شد.

با وجود نقش مهم کارآفرینی به‌عنوان یک نیروی اقتصادی توانمند در جامعه، ارائه تعریفی جامع و مانع از آن دشوار نیست؛ زیرا این واژه در ادبیات اقتصادی کاربردهای روشن و مشخصی دارد و افراد مختلف، به‌ویژه تحصیل‌کردگان، درک‌های مشترکی از آن دارند (تامپسون و همکاران، ۲۰۱۸). قابلیت‌های کارآفرینی در ارتباط با آینده شغلی، به‌عنوان توانایی بهره‌گیری از دیدگاه‌های نوآورانه و بدیع در بازارهای رقابتی شناخته می‌شود (هالستروم، ۲۰۱۸).

بنابراین، کارآفرینی فرآیند یا مفهومی است که در آن فرد کارآفرین با دیدگاه‌های نو، در جهت شناسایی فرصت‌های جدید شغلی و با بهره‌گیری از دانش و سواد خود، به ایجاد کسب‌وکارهای نو، شرکت‌ها و سازمان‌های جدید و نوآور اقدام می‌کند. مایلز و کاوین (۲۰۱۹) معتقدند که کارآفرینی دارای ابعاد مخاطره‌پذیری مرتبط با کسب‌وکارهای جدید، نوآور بودن، نوسازی و پیش‌فعالی یا آینده‌نگری است. از نظر آنان، ابعاد کارآفرینی دارای دو بعد متمایز اما مرتبط هستند: فعالیت‌های نوآورانه و مخاطره‌پذیری.

دیویس و آلن (۲۰۱۹) نیز بر این باورند که سازمان‌ها برای دستیابی به موفقیت پایدار، چه در حال و چه در آینده، به کارآفرینی نیاز دارند. از دیدگاه آنان، کارآفرینی دارای سه بعد اصلی است:

خلاقیت و نوآوری

توسعه محصولات، خدمات و فرآیندهای جدید

ریسک‌پذیری

ج) انعطاف‌پذیری شناختی

آنچه از نظریه انعطاف‌پذیری شناختی برمی‌آید، این است که این نظریه بر ماهیت یادگیری در جنبه‌های پیچیده تمرکز دارد و افرادی که از این ویژگی بهره‌مند هستند، می‌توانند در پاسخ به خواسته‌های موقعیتی گوناگون، دانش خود را به‌راحتی سازماندهی و به‌کار گیرند (ناکامارا، ۲۰۲۱). بنابراین برای کسب توانمندی بهتر در انعطاف‌پذیری شناختی، باید به نکات زیر توجه داشت:

الف) درک پیچیدگی متغیرهای حل مسئله

ب) مرور و بررسی فضای مسئله

ج) بررسی امکان‌پذیری تغییر در متغیرها

د) اولویت‌بندی و توجیه چگونگی اجرای راه‌حل مورد نظر

انعطاف‌پذیری شناختی به معنای توانایی ارائه دانش در شکل‌های متفاوت، مفهوم‌سازی از منظرهای گوناگون و سپس توانایی استفاده از آن‌ها با همان تنوع مفهومی و شکلی، برای درک یا حل مسائل و ساختن دانش جدید است (منطقی، ۱۳۹۹). یادگیرندگان زمانی که به‌وضوح مشاهده می‌کنند دانش چگونه در قالب یک تلفیق مضمونی معتبر در حوزه‌های محتوایی متعدد منتقل می‌شود، می‌توانند آن را در سایر حوزه‌ها نیز به کار گیرند.

این مهارت می‌تواند موجب افزایش درک مسائل پیچیده، کارایی بیشتر مغز و فهم دیدگاه‌های جدید شود. از این‌رو، سطح انعطاف‌پذیری شناختی یکی از مهم‌ترین توانایی‌هایی است که به موفقیت در دنیای امروز کمک می‌کند. انعطاف‌پذیری شناختی را می‌توان از دیدگاه‌های گوناگون بررسی کرد. یکی از تعاریف برآمده از پژوهش‌ها در این زمینه، آن را تغییر در شیوه تفکر می‌داند (کمالپور، ۱۴۰۰).

پژوهش‌ها نشان داده‌اند که انعطاف‌پذیری شناختی با دیگر توانایی‌های شناختی نظیر شیوه خواندن، ادراک مطالب، هوش سیال و هوش اکتسابی در ارتباط است. هوش سیال، توانایی حل مسائل در شرایط جدید توصیف می‌شود. فردی که از توانایی استدلال سیال برخوردار است، احتمالاً از نظر شناختی انعطاف‌پذیرتر نیز هست. همچنین ثابت شده است کسانی که قادر به حفظ انعطاف در ادراک خود هستند، توانایی جابه‌جایی میان موضوعات مختلف و هم‌زمان اندیشیدن به صداها و معانی را دارند که این امر موجب افزایش درک مطلب و روان‌خوانی در آنان می‌شود. افزون بر این، مشخص شده است که انعطاف‌پذیری شناختی با توانایی افراد برای مواجهه با موقعیت‌های خاص نیز مرتبط است.

روش و طرح پژوهش

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر شیوه گردآوری داده‌ها، توصیفی (غیرآزمایشی) از نوع همبستگی است. جامعه آماری پژوهش شامل هنرجویان ۵ هنرستان فنی و حرفه‌ای ناحیه چهار آموزش و پرورش شهر

شیراز در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۴۰۱ است که طبق گزارش اداره آموزش و پرورش، تعداد آنان ۲۴۰۰ نفر بوده است.

روش نمونه‌گیری مورد استفاده در این پژوهش، نمونه‌گیری تصادفی است. در این روش، متناسب با حجم جامعه آماری هنرستان‌ها، تعداد نمونه مورد نیاز بر اساس جدول دمورگان، ۲۵۰ نفر تعیین شد.

یافته‌های توصیفی متغیرهای جمعیت‌شناختی

جدول توزیع فراوانی بر اساس پایه تحصیلی پاسخ‌دهندگان

پایه کلاسی	فراوانی	درصد
پایه یازدهم	۸۵	۳۴
پایه دوازدهم	۱۶۵	۶۶
جمع کل	۲۵۰	۱۰۰

جدول ویژگی‌های جمعیت‌شناختی گروه نمونه بر اساس رشته تحصیلی پاسخ‌دهندگان

وضعیت تحصیلی	فراوانی	درصد
رشته مکانیک	۱۴۰	۵۶
رشته برق	۱۱۰	۴۴
جمع کل	۲۵۰	۱۰۰

ابزار گردآوری داده‌ها

برای گردآوری اطلاعات در این پژوهش، از ترکیب سه پرسشنامه بر اساس طیف هفت‌گزینه‌ای لیکرت، با دامنه ۱ برای «کاملاً مخالف» تا ۷ برای «کاملاً موافق» استفاده شد:

پرسشنامه انعطاف‌پذیری شناختی (CFI) دنیس و واندروال (۲۰۱۰) شامل ۲۰ سؤال و ۳ مؤلفه: توانایی ایجاد چندین راه‌حل جایگزین، میل به درک و توانایی درک چندین توجیه.

پرسشنامه سنجش قابلیت‌های کارآفرینی زندی (۱۳۹۲) شامل ۳۱ سؤال و ۶ مؤلفه: توفیق‌طلبی، استقلال‌طلبی، گرایش به خلاقیت، ریسک‌پذیری، کنترل درونی و تحمل ابهام.

پرسشنامه نگرش به تحصیل و آینده شغلی تارویردی‌زاده و همکاران (۱۳۹۶) شامل ۱۷ سؤال و سه مؤلفه: علاقه به رشته تحصیلی، آینده شغلی و برنامه‌ریزی شغلی.

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

روش‌های تجزیه و تحلیل داده‌ها شامل استفاده از شاخص‌های آمار توصیفی، از جمله بررسی داده‌ها، انحراف استاندارد، کجی و کشیدگی، و نیز شاخص‌های آمار استنباطی نظیر همبستگی پیرسون، واریانس تبیین‌شده و تحلیل مسیر بود که با استفاده از نرم‌افزار لیزرل و بر اساس مدل معادلات ساختاری انجام شد.

تحلیل داده‌های پژوهش

یافته‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

جدول شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرهای پژوهش	میانگین	انحراف معیار	واریانس
میل به درک	۳.۹۱۹۰	.۴۹۹۵۶	.۲۵۰
توانایی ایجاد چندین راه‌حل جایگزین	۳.۸۶۵۶	.۵۷۳۱۱	.۳۲۸
توانایی درک چندین توجیه	۴.۱۴۴۰	.۵۵۹۰۳	.۳۱۳
قابلیت‌های کارآفرینی	۳.۴۵۶۸	.۶۳۸۶۳	.۴۰۸
علاقه به رشته تحصیلی	۳.۷۲۲۴	.۶۷۵۱۳	.۴۵۶
آینده شغلی	۳.۹۷۶۲	.۴۷۶۱۶	.۲۲۷
برنامه‌ریزی شغلی	۳.۸۲۹۶	.۴۵۶۱۱	.۲۰۸

جدول میزان کشیدگی و چولگی متغیرهای تحقیق

متغیرهای پژوهش	ضریب چولگی	خطای استاندارد	ضریب کشیدگی	خطای استاندارد
میل به درک	-.۴۹۸	.۱۵۴	.۳۸۹	.۳۰۷
توانایی ایجاد چندین راه‌حل جایگزین	-.۱۸۰	.۱۵۴	-.۵۱۱	.۳۰۷
توانایی درک چندین توجیه	-.۳۱۰	.۱۵۴	-.۰۳۹	.۳۰۷
قابلیت‌های کارآفرینی	-.۰۳۹	.۱۵۴	.۰۵۹	.۳۰۷
علاقه به رشته تحصیلی	-.۲۳۸	.۱۵۴	-.۲۷۴	.۳۰۷
آینده شغلی	-.۳۵۲	.۱۵۴	-.۰۱۷	.۳۰۷
برنامه‌ریزی شغلی	-.۳۷۶	.۱۵۴	.۱۹۴	.۳۰۷

جدول نتایج آزمون کولموگروف-اسمیرنوف

نام متغیر	سطح معنی‌داری	مقدار خطا	تأیید فرضیه	نتیجه‌گیری
میل به درک	.۰۸۲	۰۵.	H0	نرمال است
توانایی ایجاد چندین راه‌حل جایگزین	.۴۴۸	۰۵.	H0	نرمال است
توانایی درک چندین توجیه	.۷۵۰	۰۵.	H0	نرمال است
قابلیت‌های کارآفرینی	.۱۶۶	۰۵.	H0	نرمال است
علاقه به رشته تحصیلی	.۱۱۱	۰۵.	H0	نرمال است
آینده شغلی	.۱۲۶	۰۵.	H0	نرمال است
برنامه‌ریزی شغلی	.۱۵۹	۰۵.	H0	نرمال است

جدول ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

(اعداد همان مقادیر اصلی متن هستند و بدون تغییر حفظ می‌شوند.)

تحلیل مسیر

برای بررسی اثرات مستقیم و غیرمستقیم ویژگی‌های آینده تحصیلی و شغلی بر قابلیت‌های کارآفرینی، یک مدل نظری بر اساس پیشینه نظری و تجربی طراحی شد.

جدول برآورد ضرایب فرضیه‌های مستقیم

متغیرهای پژوهش	پارامتر استاندارد شده	خطای استاندارد	برآورد T
اثر مستقیم متغیر علاقه به رشته تحصیلی			
میل به درک	۰.۲۷	۰.۰۴	۴.۲۷
توانایی ایجاد چندین راه‌حل جایگزین	۰.۲۶	۰.۰۳	۵.۱
توانایی درک چندین توجیه	۰.۱۱	۰.۰۳	۱.۷۴
قابلیت کارآفرینی	۰.۰۷	۰.۰۳	۱.۹۷
اثر مستقیم متغیر آینده شغلی			
میل به درک	۰.۱۴	۰.۰۳	۱.۵۹
توانایی ایجاد چندین راه‌حل جایگزین	-۰.۰۵	۰.۰۴	-۰.۶۲
توانایی درک چندین توجیه	-۰.۱۷	۰.۰۵	-۰.۸۲
قابلیت کارآفرینی	۰.۱۳	۰.۰۳	۲.۸۱

اثر مستقیم متغیر برنامه‌ریزی شغلی			
میل به درک	۰.۲۹	۰.۰۳	۳.۳۷
توانایی ایجاد چندین راه‌حل جایگزین	۰.۶۳	۰.۰۳	۸.۹۸
توانایی درک چندین توجیه	۰.۶۱	۰.۰۳	۷.۱۵
قابلیت کارآفرینی	۰.۴	۰.۰۳	۷.۰۱
اثر مستقیم متغیر میل به درک			
قابلیت کارآفرینی	۰.۱۳	۰.۰۴	۳.۵۱
اثر مستقیم متغیر توانایی ایجاد چندین راه‌حل جایگزین			
قابلیت کارآفرینی	۰.۲۹	۰.۰۳	۷.۰۶
اثر مستقیم متغیر توانایی درک چندین توجیه			
قابلیت کارآفرینی	۰.۰۵	۰.۰۳	۱.۵۷

بررسی فرضیه‌های مستقیم

فرضیه ۱

علاقه به رشته تحصیلی بر ابعاد انعطاف‌پذیری شناختی و قابلیت کارآفرینی تأثیر مستقیم و معنادار دارد.

الف) اثر مستقیم علاقه به رشته تحصیلی بر توانایی ایجاد چندین راه‌حل جایگزین برابر با ۲۶/۰ است که در سطح معنی‌داری ۰۵/۰ و با مقدار t=5/10، مورد تأیید قرار می‌گیرد.

ب) اثر مستقیم علاقه به رشته تحصیلی بر میل به درک برابر با ۲۷/۰ است که در سطح معنی‌داری ۰۵/۰ و با مقدار t=4/27، مورد تأیید قرار می‌گیرد.

ج) اثر مستقیم علاقه به رشته تحصیلی بر توانایی درک چندین توجیه برابر با ۱۱/۰ است و با توجه به مقدار t=1/74، مورد تأیید قرار نمی‌گیرد.

د) اثر مستقیم علاقه به رشته تحصیلی بر قابلیت کارآفرینی برابر با ۰۷/۰ است که با مقدار t=1/97، مورد تأیید قرار می‌گیرد.

فرضیه ۲

آینده شغلی بر ابعاد انعطاف‌پذیری شناختی و قابلیت کارآفرینی تأثیر مستقیم و معنادار دارد.

الف) اثر مستقیم آینده شغلی بر میل به درک برابر با ۱۴/۰ است که با مقدار t=1/59، تأیید نمی‌شود.

ب) اثر مستقیم آینده شغلی بر توانایی ایجاد چندین راه‌حل جایگزین برابر با ۰۵/۰- است که با مقدار t=-0/62، تأیید نمی‌شود.

ج) اثر مستقیم آینده شغلی بر توانایی درک چندین توجیه برابر با ۱۷/۰- است که با مقدار t=-0/82، تأیید نمی‌شود.

د) اثر مستقیم آینده شغلی بر قابلیت کارآفرینی برابر با ۱۳/۰ است که با مقدار t=2/81، تأیید می‌شود.

فرضیه ۳

برنامه‌ریزی شغلی بر ابعاد انعطاف‌پذیری شناختی و قابلیت کارآفرینی تأثیر مستقیم و معنادار دارد.

الف) اثر مستقیم برنامه‌ریزی شغلی بر میل به درک برابر با ۲۹/۰ است که با مقدار t=3/37، تأیید می‌شود.

ب) اثر مستقیم برنامه‌ریزی شغلی بر توانایی ایجاد چندین راه‌حل جایگزین برابر با ۶۳/۰ است که با مقدار t=8/98، تأیید می‌شود.

ج) اثر مستقیم برنامه‌ریزی شغلی بر توانایی درک چندین توجیه برابر با ۶۱/۰ است که با مقدار t=7/15، تأیید می‌شود.

د) اثر مستقیم برنامه‌ریزی شغلی بر قابلیت کارآفرینی برابر با ۴/۰ است که با مقدار t=7/01، تأیید می‌شود.

فرضیه ۴

توانایی ایجاد چندین راه‌حل جایگزین بر قابلیت کارآفرینی تأثیر مستقیم و معنادار دارد.

اثر مستقیم این متغیر برابر با ۲۹/۰ است که با مقدار t=7/06، مورد تأیید قرار می‌گیرد.

فرضیه ۵

میل به درک بر قابلیت کارآفرینی تأثیر مستقیم و معنادار دارد.

اثر مستقیم میل به درک بر قابلیت کارآفرینی برابر با ۱۳/۰ است که با مقدار t=3/51، مورد تأیید قرار می‌گیرد.

فرضیه ۶

توانایی درک چندین توجیه بر قابلیت کارآفرینی تأثیر مستقیم و معنادار دارد.

اثر مستقیم این متغیر برابر با ۰۵/۰ است که با مقدار t=1/57، مورد تأیید قرار نمی‌گیرد.

برآورد ضرایب فرضیه‌های غیرمستقیم

متغیرهای پژوهش	پارامتر شده	استاندارد	خطای استاندارد	برآورد T
اثر غیرمستقیم علاقه به رشته تحصیلی بر قابلیت کارآفرینی	۰.۱۲		۰.۰۳	۲.۶۷
اثر غیرمستقیم آینده شغلی بر قابلیت کارآفرینی	-۰.۰۳		۰.۰۳	۱.۸۱
اثر غیرمستقیم برنامه‌ریزی شغلی بر قابلیت کارآفرینی	۰.۲۳		۰.۰۳	۵.۱۱

بررسی فرضیه‌های غیرمستقیم

فرضیه ۱

علاقه به رشته تحصیلی بر قابلیت کارآفرینی با نقش واسطه‌ای انعطاف‌پذیری شناختی، تأثیر غیرمستقیم و معنادار دارد.

اثر غیرمستقیم این متغیر برابر با ۱۲/۰ است و با مقدار t=2/67، مورد تأیید قرار می‌گیرد.

فرضیه ۲

آینده شغلی بر قابلیت کارآفرینی با نقش واسطه‌ای انعطاف‌پذیری شناختی، تأثیر غیرمستقیم و معنادار دارد.

اثر غیرمستقیم این متغیر برابر با ۰۳/۰- است و با مقدار t=1/81، مورد تأیید قرار نمی‌گیرد.

فرضیه ۳

برنامه‌ریزی شغلی بر قابلیت کارآفرینی با نقش واسطه‌ای انعطاف‌پذیری شناختی، تأثیر غیرمستقیم و معنادار دارد.

اثر غیرمستقیم این متغیر برابر با ۲۳/۰ است و با مقدار t=5/11، مورد تأیید قرار می‌گیرد.

جمع‌بندی اثرات فرضیه‌های مستقیم، غیرمستقیم و کل متغیرها

جدول ضرایب اثرات متغیرهای مستقیم و غیرمستقیم بر قابلیت کارآفرینی

متغیرهای پژوهش	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثرات کل

متغیرهای پژوهش	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثرات کل
علاقه به رشته تحصیلی	۰.۰۷	۰.۱۲	۰.۱۹
آینده شغلی	۰.۱۳	-۰.۰۳	۰.۱۰
برنامه‌ریزی شغلی	۰.۴۰	۰.۲۳	۰.۶۳
میل به درک	۰.۱۳	—	۰.۱۳
توانایی ایجاد چندین راه‌حل جایگزین	۰.۲۹	—	۰.۲۹
توانایی درک چندین توجیه	۰.۰۵	—	۰.۰۵

واریانس تبیین‌شده

متغیرهای پژوهش	واریانس تبیین‌شده R2
میل به درک	۰.۳۴
توانایی ایجاد چندین راه‌حل جایگزین	۰.۶۷
توانایی درک چندین توجیه	۰.۲۵
قابلیت‌های کارآفرینی	۰.۶۱

معیارهای نکویی برازش مدل مفهومی

پس از برآورد ضرایب مدل مفهومی و بررسی معناداری آن، برازش مدل نیز بررسی شد. از مهم‌ترین شاخص‌های نکویی برازش برای سنجش پایایی و روایی (همگرا و واگرا)، شاخص‌های آلفای کرونباخ، ضریب پایایی ترکیبی (CR) و میانگین واریانس استخراج‌شده (AVE) استفاده شد.

جدول برآورد شاخص برازش مدل مفهومی

متغیرها	آلفای کرونباخ	ضریب پایایی ترکیبی (CR)	میانگین واریانس استخراج‌شده (AVE)
میل به درک	۷۸۲.	۸۳۸.	۵۱۰.
توانایی ایجاد چندین راه‌حل	۸۵۵.	۸۸۶.	۵۴۶.

جایگزین			
توانایی درک چندین توجیه	۸۳۷.	۸۴۶.	۷۳۳.
قابلیت‌های کارآفرینی	۹۳.	۹۳۸.	۶۷۸.
علاقه به رشته تحصیلی	۷۱۹.	۸۰۵.	۵۰۲.
آینده شغلی	۷۶۹.	۸۱۱.	۵۳۴.
برنامه‌ریزی شغلی	۸۰۷.	۸۶۶.	۵۶۷.

بررسی برازش کلی مدل مفهومی

برای بررسی برازش کلی مدل، از معیار **GOF** استفاده شده است که به‌عنوان معیاری کلی برای سنجش تناسب مدل در مدل‌های معادلات ساختاری حداقل مربعات جزئی توسعه یافته است.

جدول مفروضات برازش کلی مدل

ردیف	متغیرهای درون‌زا	Square R	Communality
۴	انعطاف‌پذیری شناختی	۷۰۴.	۸۱۸.
۱۱	قابلیت‌های کارآفرینی	۵۳.	۶۳۸.
۱۵	نگرش به تحصیل و آینده شغلی	۷۰۵.	۶۸۶.
میانگین		۶۴.	۷۲۰.

$$GOF = \sqrt{(0.64 \times 0.720)} = 0.678$$

بررسی نتایج مربوط به اثرات مستقیم

اثرات مستقیم آینده تحصیلی و شغلی بر انعطاف‌پذیری شناختی

فرضیه ۱

علاقه به رشته تحصیلی بر ابعاد انعطاف‌پذیری شناختی و قابلیت کارآفرینی دارای تأثیر مستقیم و معنادار است.

الف) بر اساس نتایج تحقیق، اثر مستقیم علاقه به رشته تحصیلی بر توانایی ایجاد چندین راه‌حل جایگزین برابر با ۲۶/۰ بوده و معناداری آن تأیید شده است. این موضوع نشان می‌دهد که هنرجویان جامعه آماری

مورد مطالعه، پیش از انتخاب رشته تحصیلی خود بررسی‌های لازم را انجام داده و از راهنمایی‌های اولیا، مربیان و مشاوران تحصیلی بهره‌مند شده‌اند. آنان نسبت به رشته تحصیلی خود رضایت دارند و تمایلی به تغییر آن ندارند. اثربخشی ۲۶ درصدی علاقه به رشته تحصیلی بر توانایی ایجاد چندین راه‌حل جایگزین نیز بیانگر آن است که این عامل می‌تواند در هنگام تصمیم‌گیری، به‌ویژه در موقعیت‌های دشوار، به هنرجو کمک کند تا از زوایای مختلف به مسائل بنگرد، چندین راه‌حل را مدنظر قرار دهد و در نهایت گزینه مناسب را انتخاب کند.

ب) اثر مستقیم علاقه به رشته تحصیلی بر میل به درک برابر با ۲۷/۰ بوده و معناداری آن مورد تأیید قرار گرفته است. این نتایج نشان می‌دهد که هنرجویان با بررسی دقیق و برخورداری از راهنمایی‌های لازم، رشته تحصیلی خود را انتخاب کرده‌اند و از آن رضایت دارند؛ ازاین‌رو می‌توانند در درک موقعیت‌ها و تصمیم‌گیری‌ها، به‌ویژه در رویارویی با موقعیت‌های دشوار، عملکرد مناسبی داشته باشند و توانایی کنترل خود در شرایط اضطراب و اندیشیدن به راه‌حل‌های جایگزین برای غلبه بر مشکلات را دارا هستند.

ج) اثر مستقیم علاقه به رشته تحصیلی بر توانایی درک چندین توجیه برابر با ۱۱/۰ بوده و معناداری آن تأیید نشده است. این نتیجه نشان می‌دهد که هنرجویان جامعه آماری معتقدند در رشته‌ای که در آن تحصیل می‌کنند می‌توانند به موفقیت برسند؛ از این‌رو تمایل چندانی به استفاده از دیدگاه دیگران برای اندیشیدن به مسائل ندارند و اصولاً مایل نیستند خود را به جای دیگران قرار دهند.

فرضیه ۲

آینده شغلی بر ابعاد انعطاف‌پذیری شناختی و قابلیت کارآفرینی دارای تأثیر مستقیم و معنادار است.

الف) بر اساس یافته‌های پژوهش، اثر مستقیم آینده شغلی بر میل به درک برابر با ۱۴/۰ بوده و معناداری آن تأیید نشده است. این نتیجه بیانگر آن است که هنرجویان جامعه آماری از انگیزه لازم برای موفقیت در کار برخوردارند و برای دستیابی به آینده شغلی مناسب، توانایی لازم برای درک موقعیت‌ها را دارند. همچنین هنگامی که با موقعیت‌های دشوار روبه‌رو می‌شوند، تصمیم‌گیری برایشان دشوار نیست، کنترل خود را از دست نمی‌دهند، مضطرب نمی‌شوند و توانایی تغییر مسائل را دارند.

ب) اثر مستقیم آینده شغلی بر توانایی ایجاد چندین راه‌حل جایگزین برابر با ۰۵/۰ بوده و معناداری آن تأیید نشده است. این نتیجه نشان می‌دهد که هنرجویان جامعه آماری برای موفقیت خود، توانایی لازم را داشته و در کانون‌های علمی مرتبط با رشته تحصیلی‌شان مشارکت فعال دارند. آنان هنگام تصمیم‌گیری، تنها یک گزینه را در نظر نمی‌گیرند و فقط به یک راه‌حل بسنده نمی‌کنند. همچنین تنها از یک زاویه به موقعیت‌های دشوار نگاه نکرده و هنگام نتیجه‌گیری درباره علل یک رفتار، به اطلاعات ناقص اکتفا نمی‌کنند.

ج) اثر مستقیم آینده شغلی بر توانایی درک چندین توجیه برابر با ۱۷/۰- بوده و معناداری آن تأیید نشده است. این نتیجه حاکی از آن است که هنرجویان جامعه آماری انگیزه چندانی برای نگاه کردن به مسائل از دیدگاه دیگران ندارند و با توجه به انجام وظایف و توانمندی‌هایی که در خود می‌بینند، تمایلی به قرار دادن خود در جایگاه دیگران در موقعیت‌های مختلف ندارند.

فرضیه ۳

برنامه‌ریزی شغلی بر ابعاد انعطاف‌پذیری شناختی و قابلیت کارآفرینی دارای تأثیر مستقیم و معنادار است.

الف) اثر مستقیم برنامه‌ریزی شغلی بر میل به درک برابر با ۲۹/۰ بوده و معناداری آن مورد تأیید قرار گرفته است. این نتایج نشان می‌دهد که هنرجویان جامعه آماری از پیش درباره شغل مورد علاقه خود اندیشیده‌اند، در نتیجه برای گردآوری اطلاعات مورد نیاز، برنامه‌ریزی شغلی و تعریف فعالیت‌های لازم اقدام کرده‌اند. آنان اندیشه‌های ذهنی خود را برای ارائه ایده‌ها و محصولات جدید به کار گرفته و آماده پذیرش ریسک برای دستیابی به اهداف هستند.

ب) اثر مستقیم برنامه‌ریزی شغلی بر توانایی ایجاد چندین راه‌حل جایگزین برابر با ۶۳/۰ بوده و معناداری آن تأیید شده است. این نتایج بیانگر آن است که هنرجویان جامعه آماری برای اجرای فعالیت‌هایی مانند نحوه مقابله با وضعیت‌های دشوار، در نظر گرفتن گزینه‌های مختلف، شیوه تصمیم‌گیری و در نهایت اولویت‌بندی و انتخاب راه‌حل، برنامه‌ریزی‌های لازم را انجام می‌دهند.

ج) اثر مستقیم برنامه‌ریزی شغلی بر توانایی درک چندین توجیه برابر با ۶۱/۰ بوده و معناداری آن نیز تأیید شده است. این نتایج نشان می‌دهد که هنرجویان جامعه آماری در راستای تدوین برنامه‌ریزی‌های لازم برای درک واقعیت‌های موجود هنگام نتیجه‌گیری درباره علل یک رفتار و اندیشیدن به رفع دشواری‌ها اقدام می‌کنند. آنان همچنین تلاش می‌کنند مسائل را از نگاه دیگران نیز ببینند.

اثرات مستقیم آینده تحصیلی و شغلی بر قابلیت‌های کارآفرینی

الف) اثر مستقیم علاقه به رشته تحصیلی بر قابلیت کارآفرینی برابر با ۰۷/۰ بوده و معناداری آن تأیید شده است. در این زمینه می‌توان گفت که روحیات و نگرش جامعه آماری نسبت به مؤلفه‌هایی مانند توفیق‌طلبی، استقلال‌طلبی، گرایش به خلاقیت، ریسک‌پذیری، کنترل درونی و تحمل ابهام به‌گونه‌ای است که وقتی کاری را آغاز می‌کنند، تا رسیدن به نتیجه نهایی آن را ادامه می‌دهند و کارهایی را که موجب افزایش توانایی آنان می‌شود، بر کارهای آسان ترجیح می‌دهند. آنان موفقیت در کار را حاصل تلاش و کوشش خود می‌دانند نه شانس و اقبال. همچنین تمایل دارند سرنوشت خود را در دست بگیرند، شیوه‌های مختلف را برای انجام امور بیازمایند و از قرار گرفتن در موقعیت‌های فاقد پاسخ روشن، احساس ناخشنودی داشته باشند.

ب) اثر مستقیم آینده شغلی بر قابلیت کارآفرینی برابر با ۱۳/۰ بوده و معناداری آن مورد تأیید قرار گرفته است. این نتایج بیانگر آن است که هنرجویان جامعه آماری از انگیزه لازم برای دستیابی به موفقیت برخوردارند، پیش‌بینی‌های لازم را در این زمینه انجام داده‌اند و فعالیت‌های مورد نظر را با علاقه دنبال می‌کنند. ازاین‌رو، در زمینه مؤلفه‌های قابلیت کارآفرینی مانند توفیق‌طلبی، استقلال‌طلبی، گرایش به خلاقیت، ریسک‌پذیری، کنترل درونی و تحمل ابهام، انگیزه لازم برای ادامه کار تا رسیدن به نتیجه نهایی را داشته و در پی انجام فعالیت‌هایی هستند که توانایی آنان را افزایش دهد. آنان کارهای دشوار را به کارهای آسان ترجیح می‌دهند، ایده‌های متنوعی در ذهن دارند و می‌خواهند سرنوشت خویش را در دست گیرند.

ج) اثر مستقیم برنامه‌ریزی شغلی بر قابلیت کارآفرینی برابر با ۴/۰ بوده و معناداری آن تأیید شده است. این نتایج حاکی از آن است که هنرجویان جامعه آماری با برخورداری از برنامه‌ریزی مناسب، انگیزه لازم برای انجام کار تا رسیدن به نتیجه نهایی را دارند و مایل‌اند بر اساس آن توانایی‌های خود را افزایش دهند. آنان ایده‌های متنوعی در ذهن می‌پرورانند و با برنامه‌ریزی و هدف‌مندی، در پی دستیابی به موقعیت بهتر هستند و برای مقابله با ریسک‌های احتمالی نیز آمادگی دارند.

تأثیر مستقیم مؤلفه‌های ابعاد انعطاف‌پذیری شناختی بر قابلیت کارآفرینی

فرضیه ۴

توانایی ایجاد راه‌حل جایگزین بر قابلیت کارآفرینی دارای اثر مستقیم و معنادار است.

بر اساس یافته‌های پژوهش، اثر مستقیم توانایی ایجاد چندین راه‌حل جایگزین بر قابلیت کارآفرینی برابر با ۲۹/۰ بوده و معناداری آن تأیید شده است. این نتایج نشان می‌دهد که هنرجویان جامعه آماری در موقعیت‌های دشوار، پیش از تصمیم‌گیری درباره نحوه مقابله با شرایط به‌وجود آمده، چندین راه‌حل را مدنظر قرار می‌دهند و اغلب از دیدگاه‌های مختلف به یک موقعیت می‌نگرند. آنان با تلاش و کوشش، برای مقابله با ریسک‌ها و خطرات احتمالی، به بیش از یک راه‌حل می‌اندیشند.

فرضیه ۵

میل به درک بر قابلیت کارآفرینی دارای تأثیر مستقیم و معنادار است.

بر اساس یافته‌های پژوهش، اثر مستقیم میل به درک بر قابلیت کارآفرینی برابر با ۱۳/۰ بوده و معناداری آن تأیید شده است. این نتایج نشان می‌دهد که هنرجویان جامعه آماری در درک موقعیت‌ها از توانایی مطلوبی برخوردارند و هنگامی که با شرایط دشوار مواجه می‌شوند، تصمیم‌گیری برای آنان دشوار نیست. هر زمان که با موقعیت‌های سخت روبه‌رو می‌شوند، مضطرب نشده و در فعالیت‌های کارآفرینانه می‌توانند به راه‌حل‌هایی برای مقابله با ریسک‌ها بیندیشند.

فرضیه ۶

توانایی درک چندین توجیه بر قابلیت کارآفرینی دارای تأثیر مستقیم و معنادار است.

بر اساس یافته‌های پژوهش، اثر مستقیم توانایی درک چندین توجیه بر قابلیت کارآفرینی برابر با ۰۵/۰ بوده و معناداری آن مورد تأیید قرار گرفته است. این نتایج حاکی از آن است که هنرجویان جامعه آماری تمایل دارند به موقعیت‌های دشوار از زوایای مختلف بنگرند، به شانس و اقبال اعتقاد چندانی ندارند و مایل‌اند سرنوشت خود را شخصاً در اختیار بگیرند. آنان کارهایی را که توانایی‌شان را افزایش می‌دهد، به کارهای آسان ترجیح می‌دهند. هنگامی که با موقعیت‌های دشوار روبه‌رو می‌شوند، صبر می‌کنند و می‌کوشند برای حل آن موقعیت به چندین راه‌حل بیندیشند.

نتایج مرتبط با اثرات غیرمستقیم

فرضیه ۱

علاقه به رشته تحصیلی بر قابلیت کارآفرینی با نقش واسطه‌ای انعطاف‌پذیری شناختی، دارای تأثیر غیرمستقیم و معنادار است.

بر اساس یافته‌های پژوهش، اثر غیرمستقیم علاقه به رشته تحصیلی بر قابلیت کارآفرینی برابر با ۱۲/۰ بوده و معناداری آن تأیید شده است. از آنجا که علاقه‌مندی به رشته تحصیلی مجموعه‌ای از ترجیحات را دربر می‌گیرد که احساس خوشایند یا تمایل نسبت به موضوعی را در فرد ایجاد می‌کند و با میل و توجه فراوان نسبت به آن همراه است، این عامل اولویت‌های شخص را مشخص کرده و رغبت یادگیری را در او برمی‌انگیزد که حاصل تعامل فرد با محیط است.

این امر نشان می‌دهد که ادامه تحصیل در رشته انتخابی برای هنرجویان لذت‌بخش است و چون احساس می‌کنند می‌توانند در رشته مورد نظر به موفقیت برسند، حاضر به تغییر رشته نیستند. با در نظر گرفتن نقش واسطه‌ای مؤلفه‌هایی همچون درک موقعیت‌ها و ابراز توانایی هنگام مواجهه با موقعیت‌های دشوار، تصمیم‌گیری برای آنان دشوار نمی‌شود و کنترل خود را از دست نمی‌دهند. در نتیجه، به موقعیت‌های سخت از زوایای مختلف می‌نگرند و پیش از تصمیم‌گیری درباره نحوه مقابله با شرایط موجود، به چندین راه‌حل می‌اندیشند. به همین دلیل، هنگامی که کاری را آغاز می‌کنند، تا پایان آن را ادامه می‌دهند.

تأثیر غیرمستقیم این عامل بر پارامترهای قابلیت‌های کارآفرینی از آن روست که علاقه‌مندی به رشته تحصیلی و شغلی، زمینه‌ساز شکل‌گیری سایر انگیزه‌ها نیز می‌شود. اگر افراد بدون آگاهی و علاقه، آینده تحصیلی و شغلی خود را انتخاب کنند، در آینده دچار دلسردی، افت تحصیلی و حتی در مواردی ترک

تحصیل خواهند شد. از سوی دیگر، در صورت ادامه تحصیل تا مقاطع دانشگاهی، ممکن است فرد شغلی را برگزیند که هیچ ارتباطی با علاقه او ندارد و این امر به معنای غیرتخصصی شدن اشتغال در این افراد است.

فرضیه ۲

آینده شغلی بر قابلیت کارآفرینی با نقش واسطه‌ای انعطاف‌پذیری شناختی دارای تأثیر غیرمستقیم و معنادار است.

بر اساس یافته‌های پژوهش، اثر غیرمستقیم آینده شغلی بر قابلیت کارآفرینی برابر با ۰۳/۰- بوده، اما معناداری آن تأیید نشده است. نتیجه حاصل از اثر غیرمستقیم این متغیر در این پژوهش نشان می‌دهد که در جامعه آماری، عواملی نظیر پیش‌بینی برای تصمیم‌گیری در موقعیت‌های دشوار و نیز کاهش میزان اضطراب، تأثیر مؤثری نداشته‌اند. ازاین‌رو، پذیرش این موضوع مستلزم برخورداری از روش‌های متنوع برای کنار آمدن با چنین موقعیت‌های دشوار و غلبه بر مشکلات است. در نتیجه، این احساس ایجاد می‌شود که توانایی تغییر مسائل کاهش یافته و راه‌حل‌ها و گزینه‌های مختلف مورد توجه قرار نمی‌گیرد.

بدیهی است که آینده شغلی، فرآیندی است که چگونگی رسیدن از وضعیت موجود به هدف نهایی را مشخص می‌کند. این یافته‌ها همچنین نشان می‌دهد که اگر در گردآوری اطلاعات و استفاده از دیدگاه‌های دیگران غفلت شود، فرد ممکن است فعالیتی را آغاز کند اما تا رسیدن به موفقیت آن را ادامه ندهد و به‌سادگی از آن عبور کند. شکست‌ها مانعی در پیگیری اهداف می‌شوند، رغبت به انجام امور کاهش می‌یابد، انفعال در فعالیت‌ها شکل می‌گیرد و ایده‌های اندکی در ذهن پرورش می‌یابد. در نتیجه، ترجیح بر آن خواهد بود که فعالیت‌ها به‌صورت یکنواخت انجام شوند و در این حالت، نه تمایلی به پذیرش ریسک و خطر در فعالیت‌های کارآفرینانه وجود خواهد داشت و نه تلاشی برای ایجاد تغییر و بهبود شرایط صورت خواهد گرفت.

فرضیه ۳

برنامه‌ریزی شغلی بر قابلیت کارآفرینی با نقش واسطه‌ای انعطاف‌پذیری شناختی دارای تأثیر غیرمستقیم و معنادار است.

بر اساس یافته‌های پژوهش، اثر غیرمستقیم برنامه‌ریزی شغلی بر قابلیت کارآفرینی برابر با ۲۳/۰ بوده و معناداری آن تأیید شده است. نتایج نشان می‌دهد که هنرجویان جامعه آماری درباره شغل آینده خود برنامه‌ریزی لازم را انجام داده‌اند و می‌دانند چه شغلی را برگزینند تا قدرت خلاقیت آنان را برانگیزد. آنان نسبت به شغل آینده خود حساس‌اند و برای حل مسائل و مشکلات خود معمولاً تلاش زیادی می‌کنند. گاهی آن‌قدر ایده‌های متنوع در ذهن دارند که در انتخاب میان آن‌ها دچار تردید می‌شوند.

در ارتباط با قابلیت‌های کارآفرینی نیز، نقش برنامه‌ریزی کاملاً روشن و آشکار است. افراد، به‌ویژه کارآفرینان، بدون برنامه‌ریزی همواره در مسیری گام برمی‌دارند که پیش‌بینی‌ناپذیر و پایان آن نامشخص است. در چنین شرایطی، پیش‌بینی رویدادهای ممکن و راه‌های مقابله با آن‌ها نیز دشوار خواهد بود. برنامه‌ریزی یکی از قابلیت‌هایی است که در کارآفرینی معنا می‌یابد و بر اساس آن، فعالیت‌ها بر حسب اولویت مشخص می‌شوند. در چنین شرایطی، ریسک تا حد زیادی کاهش می‌یابد و می‌توان با گام‌هایی استوارتر به سوی اهداف حرکت کرد. به همین دلیل است که در منابع مختلف، از برنامه‌ریزی به‌عنوان یکی از قابلیت‌های مشترک کارآفرینان یاد می‌شود.

نتایج مربوط به اثرات کلی متغیرها بر یکدیگر

اثر کلی علاقه به رشته تحصیلی بر قابلیت کارآفرینی

با توجه به اینکه یافته‌های پژوهش بیانگر تأثیر کلی ۱۹ درصدی مؤلفه علاقه به رشته تحصیلی بر قابلیت کارآفرینی است، می‌توان گفت جامعه آماری نسبت به مؤلفه‌هایی چون توفیق‌طلبی، استقلال‌طلبی، گرایش به خلاقیت، ریسک‌پذیری، کنترل درونی و تحمل ابهام، نگرشی مثبت دارد؛ به‌گونه‌ای که وقتی کاری را آغاز می‌کنند، تا رسیدن به نتیجه نهایی آن را ادامه می‌دهند و همواره در پی افزایش سطح توانمندی‌های خویش هستند. این امر زمینه‌ساز پرورش خلاقیت و نوآوری در میان آنان شده است، به‌طوری‌که برای دستیابی به شرایط بهتر، آمادگی پذیرش ریسک و خطر را نیز دارند.

اثر کلی آینده شغلی بر قابلیت کارآفرینی

با توجه به اینکه یافته‌های پژوهش، تأثیر کلی ۱۰ درصدی مؤلفه آینده شغلی بر قابلیت کارآفرینی را نشان می‌دهد، می‌توان بیان کرد که وجود انگیزه لازم برای کسب موفقیت و در پی آن، پیش‌بینی فعالیت‌های مورد نیاز برای انجام کار تا رسیدن به نتیجه نهایی، اثر نسبتاً مطلوبی داشته است. این موضوع همچنین بیانگر آن است که هنرجویان جامعه آماری، ایده‌های متنوعی در ذهن دارند، از قدرت ریسک‌پذیری کافی برخوردارند و تمایل دارند سرنوشت خود را در دست گیرند.

اثر کلی برنامه‌ریزی شغلی بر قابلیت کارآفرینی

از آنجا که یافته‌های پژوهش بیانگر تأثیر کلی ۶۳ درصدی مؤلفه برنامه‌ریزی شغلی بر قابلیت کارآفرینی است، می‌توان گفت هنرجویان جامعه آماری از انگیزه لازم برای انجام کار تا رسیدن به نتیجه نهایی برخوردارند و تمایل دارند بر اساس آن، توانایی‌های خود را افزایش دهند. همچنین، نگرش برنامه‌ریزی و هدف‌مندی و در پی آن، پرورش ایده‌های متنوع در ذهن، وضعیت بسیار مطلوبی برای دستیابی به شرایط بهتر و آمادگی برای مقابله با ریسک‌های احتمالی فراهم کرده است.

نتایج مربوط به مقایسه اثرات مستقیم، غیرمستقیم و کل متغیرها

با هدف مقایسه متغیرها و مؤلفه‌های مربوط، و بر اساس یافته‌های پژوهش، می‌توان بیان کرد که مطالعه و بررسی لازم پیش از انتخاب رشته تحصیلی، همراه با بهره‌گیری از راهنمایی‌های اولیا، مربیان و مشاوران تحصیلی، یکی از عوامل موفقیت هنرجویان جامعه آماری بوده است. این امر موجب رضایت آنان از رشته تحصیلی خود شده و سبب شده است هنگام تصمیم‌گیری در موقعیت‌های دشوار، از زوایای مختلف به مسائل بنگرند، دیدگاه‌های گوناگون را بررسی کنند و چندین راه‌حل را مدنظر قرار داده و گزینه مناسب را برگزینند. آنان در مواجهه با موقعیت‌های دشوار واکنش مناسبی نشان می‌دهند و توانایی لازم برای کنترل خود در شرایط اضطراب را دارند.

از سوی دیگر، با توجه به عدم تأیید معناداری اثر مستقیم علاقه به رشته تحصیلی بر توانایی درک چندین توجیه، و مقایسه این مؤلفه با دو مؤلفه پیشین، به نظر می‌رسد هنرجویان جامعه آماری چون اطمینان دارند در رشته‌ای که مشغول تحصیل‌اند می‌توانند به موفقیت برسند، تمایل چندانی ندارند که خود را به جای دیگران قرار دهند.

همچنین از مقایسه اثر مستقیم متغیر آینده شغلی بر تمامی مؤلفه‌های انعطاف‌پذیری شناختی، یعنی توانایی ایجاد چندین راه‌حل جایگزین، میل به درک و توانایی درک چندین توجیه، می‌توان نتیجه گرفت که چون هنرجویان در کانون‌های علمی مشارکت فعال دارند، در هنگام تصمیم‌گیری تنها یک گزینه را در نظر نمی‌گیرند و به یک راه‌حل بسنده نمی‌کنند. افزون بر این، مقایسه این مؤلفه با مؤلفه میل به درک نشان می‌دهد که هنرجویان برای دستیابی به آینده شغلی مناسب، توانایی لازم برای درک موقعیت‌ها را دارند؛ ازاین‌رو هنگام مواجهه با شرایط دشوار، تصمیم‌گیری برایشان مشکل نیست و کنترل خود را از دست نمی‌دهند.

با توجه به اینکه اثر مستقیم برنامه‌ریزی شغلی بر توانایی ایجاد چندین راه‌حل، با اثر آن بر توانایی درک چندین توجیه تقریباً یکسان بوده، اما نسبت به مؤلفه میل به درک بیش از دو برابر اثرگذار بوده است، این مقایسه نشان می‌دهد که اثر مستقیم برنامه‌ریزی شغلی بر توانایی ایجاد چندین راه‌حل، در نحوه مقابله با شرایط دشوار، در نظر گرفتن گزینه‌های مختلف و انتخاب راه‌حل مناسب بسیار مؤثر بوده است. همین امر سبب شده است اقدامات مناسبی در زمینه تدوین برنامه‌ریزی‌های لازم و نیز درک واقعیت‌های موجود، شناخت علل یک رفتار و اندیشیدن به رفع دشواری‌ها صورت گیرد.

پیشنهادها

مهم‌ترین پیشنهادهایی که می‌توان برای بهبود شرایط موجود در جامعه آماری ارائه کرد عبارت‌اند از: تقویت بنیه علمی و تجربی هنرجویان از طریق اعزام به دوره‌های پیشرفته مشاوره تحصیلی، طراحی **Base Data**

برای ذخیره‌سازی اطلاعات، برگزاری کارگاه‌های آموزشی، فراهم‌سازی محیط‌های واقعی و آزمایشی تصمیم‌گیری در شرایط اطمینان و عدم اطمینان، و آشنا کردن هنرجویان با موضوعاتی همچون اضطراب، استرس، مدیریت زمان و مؤلفه‌های انعطاف‌پذیری شناختی نظیر درک موقعیت‌ها و ابراز توانایی هنگامی که با موقعیت‌های دشوار روبه‌رو می‌شوند. همچنین تقویت مؤلفه‌هایی مانند استقلال‌طلبی و کنترل درونی در جامعه آماری پیشنهاد می‌شود.

منابع

اشرافی، م. (۱۴۰۰). *آشنایی با کارآفرینی*. تهران: انتشارات سپاس.

افشارنیا، ک. (۱۳۹۸). مجله دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد. ۲۶(۵)، ۱۲۱۷-۱۲۶۶.

قاسمی، ط. (۱۳۹۵). نشریه خبرنامه انجمن ریاضی ایران. پیاپی ۱۴۸(۲).

کمالپور، ا. (۱۴۰۰). راهنمایی و مشاوره تحصیلی و شغلی دانش‌آموزان در دوره متوسطه. *فصلنامه تعلیم و تربیت وزارت آموزش و پرورش*. ۱(۳).

منطقی، ف. (۱۳۹۹). کارآفرینی و کارآفرینان، تعاریف و ویژگی‌ها. *فصلنامه صنایع*. (۱۲)، ۳۳.

Aediles, R. J. (2019). A three-facet model of creativity in R. J. Sternberg (Ed.), *The Nature of Creativity*. Cambridge: Cambridge University Press.

Davis, G., & Alen, N. (2000). Competing models of entrepreneurial intentions. *Journal of Business Venturing, 15*, 411-432.

Hallstrom, B., & Smolder, P. (2018). Work values and experiences in the public and private sectors. *Administrative Science Quarterly, 19*, 35–51.

Miles, O., & Cavin, K. (2019). Exploring motivation and success among Canadian women. *Entrepreneurs, 19*(2), 107-120.

Nakamura, I. (2021). Enterprising geography, earth and environmental sciences students. *Planet, 13*, 26-29.

Thompson, I., et al. (2018). The theory of planned behavior. *Organizational Behavior and Human Decision Processes, 50*, 179-211.